

بowl الفضل محمد بن حسين بهقهی در قریه‌ی حارت آباد در سال ۳۸۵ مق. به
ذیناً امده. در نیمه‌ی ابور به تحصیل پرداخت و بعد از کسب فضایل، به سمت
بیبری وارد دیوان سلطان محمود غزنوی شد و در خدمت بونصر مشکان،
رئیس دیوان رسالت به کار پرداخت. با درگذشت بونصر مشکان در زمان
سلطان مسعود (۴۳۳ - ۴۲۱ مق.)، بوسیله‌ی وزنه‌ی به ریاست دیوان رسالت
منصب گردید. و بنای مخالفت را با ابوالفضل بهقهی گذاشت. بهقهی همچنان
در خدمت سلاطین غزنوی بود تا در زمان سلطنت عز الدوله عبدالرشید (۴۴۳ -
۴۴۰ مق.)، به ریاست دیوان رسالت منصب شد. بعد از مدت کوتاهی به
تهمت حاسـان از مقام خود معزول شد و در سال ۴۴۳ که طغول بر
عبدالرشید خروج کرد و او را کشت، بهقهی با جمعی دیگر از درباریان زندانی
شد و مدتی نیز در زندان بود. پس از رهایی از زندان، در اوخر سلطنت فرخزاد
از کارهای دیوانی کتابه گرفت و اواخر عمر خود را در گوشه‌ی انزوا در غزنه
سپری کرد. تا در سال ۴۷۰ مق. درگذشت.

تاریخ بهمیقی، تاریخ مشهور اوست که در سال ۴۵۱ هـ به تألیف آن مهمنم ترین اتر بیمهقی، این کتاب در شرح سلطنت آل سپکنگین نوشته شده بود و به سی برداخت این کتاب در شرح سلطنت آل سپکنگین نوشته شده بود و به سی مجلد بالغ بیش از ۳۰۰۰ صفحه است، در آن از تشکیل دولت غزنوی تا اوایل ایام سلطان ابراهیم بن مسعود سخن رفته است و اکنون قسمتی از آن درباره‌ی سلطنت مسعود بن محمود غزنوی، تاریخ خوارزم از زوال دولت آل مأمون و افتادن آن ولایت به دست سلطان محمود، حکومت التوتانیان حاجب در آن سامان تا غلبه‌ی سلاحلقه د. دست است.

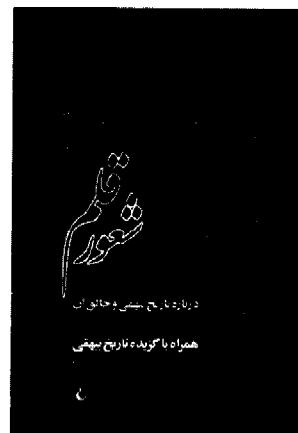
ا توجه به موقعیت بیهقی در دربار غزنویان و نیز ترقی بیهقی، صداقت و صراحت
آن مورخ مصنف، کتاب راجع به حوادث سیاسی، نظامی و اجتماعی عهد
سلطان مسعود، مرجحی بی نظری است، هرچند موضوع اصلی تاریخ بیهقی
شرح حوادث دوران سلطنت سلطان مسعود است، با این وصف، حاوی
طلاعات برآورده دیگری درباره سلسله‌ای غزنویان قبل از سلطان مسعود
سلسله‌های سامانیان و صفاریان و سلجوقیان نیز هست.

همیت تاریخی این کتاب بیشتر از یاب روش کار مؤلف و انتقام و صحبت طالب و دقت سهیقی در نقل حوادث و استفاده‌های او از اسناد و مدارکی است که مقام درباری او در اختیارش نهاده بود. چنانکه زریاب می‌نویسد: بیهقی نگنگی‌هی (روسی) و عشق باطنی به تاریخ و تجسس و ضبط حوادث تاریخی

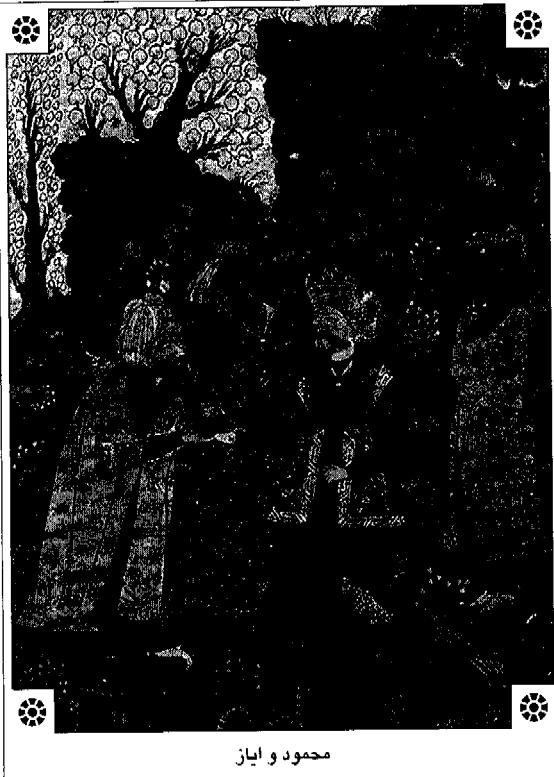
دیبا خسروان

• عدالت عزت یور

کارشناسی ارشد تاریخ ایران دوره‌ی اسلامی دانشگاه تربیت معلم تهران



- شعور قلم (درباره‌ی تاریخ بیهقی و خالق آن) همراه با گزیده‌ی تاریخ بیهقی
 - رشید کاکاوند
 - تهران، فقنوس، چاپ اول، ۱۳۸۸، تعداد صفحات: ۱۳۳



محمود و ایاز

پدریان و پسریان، از همان ابتدا دچار عدم امنیت و شرایط پرآسیبی گشته بود که هر کسی ناگزیر بود به منافع خود بینندیشد. به قدرت و ثروت رسیدن، گویی همه‌ی خواسته‌ی افراد گشته است، هیچ آرمان و اعتقد‌ای که بتوان به پای آن ایستاد و از مقام و ثروت گذشت، وجود ندارد مگر آنکه خود و عده‌ی رسیدن به مقام و ثروتی بزرگ‌تر باشد. در فضایی که سلطان مسعود به حکومت رسیده است، جناح پدریان را به دلیل مخالفتشان با جانشینی وی در روزگار محمود از میان برミ‌دارد، حکومت ایران، صحنه‌ی نمایشی می‌شود که در آن هر کسی نقشی به عهده دارد حتی اگر شخصیت، نیت، اندیشه و احساسش با آن نقش مطابقت نداشته باشد، جلوی چشم تماشاگران به ناگزیر باید اداها و رفتارهای مطابق با نقشی که بر عهده دارد را نجام دهد. اما در پشت صحنه، آن سوی پرده، خبرهای دیگری است. درباری که صحنه‌ی قدرت طلبی‌ها، سخن‌جنبی‌ها، دیگران را الفکردن و خویشتن را برکشیدن‌هاست، نیاز به فربیکاری و وارونه‌نمایی حقیقت دارد.

بنابراین تاریخ نوشتن در روزگاری که هر کلامی، هر قدمی، هر رفتاری، چنین سیاستمدارانه و حساس است، کاری بس دشوار به نظر می‌رسد، بهویله اگر چون ابوالفضل بیهقی، قصد واقعیت‌نویسی و افشاگری هر آن چه باشد که قصد پنهان کردنش بوده است. (ص ۲۳) فساد دربار غزنویان هر چه که بوده است، مهم آن است که تاریخ‌نویس در همان دربار واقعیت‌ها را چنان گفته است که به رغم همه‌ی فربیکاری‌های تبلیغاتی (که طبیعت حکومت هاست) و وارونه‌نمایی‌های غزنویان، می‌توان تصویری واقعی از آن دربار را در متن بیهقی یافت. (ص ۱۹) بیان بیهقی که سراسر لحن عوض می‌کند و زاویه‌ی دید تغییر می‌دهد شگفت است. وی هرجا که توانسته است بی‌پروا و

داشته، و از همان روزگار جوانی که در دیوان رسائل، شاگرد ابونصر مشکان بوده، حوادث را به تقویم خود تعلیق می‌کرده و نسخه‌های اسناد و مکاتبات دیوانی را برای ثبت در تاریخی که قصد داشته بنویسد، نگاه می‌داشته است.^۵ بیهقی به صحت و دقت آن چه گزارش یا نقل می‌کند، سخت پای بند است. چنان که می‌نویسد: «من که این تاریخ پیش گرفته‌ام، التزام این قدر بکر دهام تا آن چه نویسم با از معاینه‌ی من است یا از سمع درست از مردی نهه؟»

تاریخ بیهقی با آن که از جنبه‌ی تاریخ‌نگاری دارای اهمیت است، ولی از جنبه‌ی ادبی نیز بسیار درخور توجه است. گیرایی و دلپذیری نثر، و بیزگی‌های صرفی و نحوی نثر تاریخ بیهقی از بهترین نمونه‌های نثر فارسی و اوج بلاغت زبان فارسی شمرده می‌شود. نثر کتاب حاکی از سلطسل بیهقی به زبان‌های فارسی و عربی است و نشان می‌دهد که وی همه‌ی شرایط دیری را داشته است. اولین چاپ تاریخ بیهقی، چاپ کلکته است، که متن آن را مولی، خاورشناس انگلیسی در هندوستان از روی چند نسخه تهییه کرد که بعد از مرگ وی، به کوشش کاپیتان ناسولیس در سال ۱۸۶۲ میلادی در کلکته چاپ و منتشر شد. چاپ دوم، چاپ سنگی تهران است که به تحسیه‌ی محروم سید احمد ادیب پیشاوری در سال ۱۳۰۵ هـ به طبع رسید. در سال ۱۳۴۴ هـ برای سومین بار به کوشش دکتر غنی و دکتر فیاض در تهران چاپ و منتشر شد.

کتاب شعور قلم

کتاب شعور قلم به خامه‌ی رشید کاکاوند به بحث و بررسی پیرامون تاریخ بیهقی اختصاص دارد که همراه با گزیده‌ای از این تاریخ است. نویسنده کتاب را با مقدمه‌ای شروع کرده و در این مقدمه به شیفتگی خود به تاریخ بیهقی اشاره کرده است و پس از پیش گفتار نوشتۀ کوتاهی درباره‌ی ابوالفضل بیهقی دارد. مهم‌ترین بخش کتاب، که بررسی وجود ادبی، هنری و شگردهای زبانی و در واقع بررسی تاریخ بیهقی را شامل می‌شود، عنوان ادبیات یا تاریخ؟! دارد.

ادبیات یا تاریخ؟!

تاریخ بیهقی بیش از آن که یک اثر تاریخی به حساب آید، ادبی فلمند شده است، بی‌تردید هیچ کتاب تاریخی در فرهنگ ما، اعتبار ادبی تاریخ بیهقی را ندارد؛ تاریخی که آگاهی، امانت‌داری و احسان نویسنده و به تعییری شعر قلم بیهقی در آن آشکار است و انسان در هر سطر آن رعایت شده است. (ص ۱۱) این که چرا اثری که برای بیان واقعیت‌های تاریخی، در یک سیستم رسمی نوشته شده است، بدون داعیه‌های مرسوم ادبی، مثل تخلیل گرایی، هیجانات عاطفی و سپردن زمام کلام به ناخودآگاه برانگیخته‌ی نویسنده، تا این حد ادبی شمرده شده است از میاختی است که موضوع بحث نویسنده‌ی کتاب شعور قلم است و این که چه مؤلفه‌هایی باعث می‌شود که به چنین دریافتی بررسیم، یا اینکه در پی این است که نگاه و سلیقه‌ی بیان متفاوت بیهقی کدام است.

نویسنده در چهار بخش تحت عنوانی: ۱. نوشتن در نامنی دربار غزنوی. ۲. حضور مردم در تاریخ بیهقی. ۳. شخصیت‌ها در تاریخ بیهقی. ۴. هنرها ادبی تاریخ بیهقی، به دنبال ویزگی‌هایی است که موجب شده تاریخ بیهقی متن ادبی شمرده شود.

۱. نوشتن در نامنی دربار غزنوی: دربار غزنوی به دلیل جناح‌بندی‌های بین

زندگی فردی و اجتماعی آن زمان، باقی نمانده است.^۸ موضوعی که در ادبیات فارسی به دلیل شرایط تاریخی و سیاسی تا قبل از ادبیات مشروطه بی سابقه‌یا در حد اشاره‌ای کم تأثیر است، حضور اجتماع و مردم است که در تاریخ بیهقی بارها مطرح شده است. (ص ۲۴) به عنوان مثال یکی از بهترین جلوه‌های حضور اجتماعی مردم را می‌توان در ماجراهای بردار کردن حستک وزیر یافت. آن‌جا که ورا سوی دار می‌برند: «بس اواز دادند او را که بدو، دم نزد و از ایشان نیند بشید، هر کس گفتند شرم ندارید مرد را که می‌بکشید به دو به دار می‌برید؟ و خواست که شوری بزرگ به پای شود، سواران سوی عame تاختند هم: شورش اشانندن...»

عامده، عموم، مردم، گویی اصلاً در ادبیات ما وجود نداشته‌اند و تنها در تاریخ بیهقی است که وجود دارند و تصمیم می‌گیرند و می‌توانند اختراض کنند. شوری بزرگ که بیهقی از آن سخن می‌گوید، بخش پنهان از تاریخ ماست که گویی ادبیات رسمی درباری و خانقاوه‌زدی ما از آن غافل مانده است. (ص ۲۵) ۳. شخصیت‌ها در تاریخ بیهقی: نویسنده در این مبحث با آوردن نمونه‌هایی بر آن است که به لایه‌های مختلف شخصیت‌پردازی در تاریخ بیهقی پردازد. بخصوص شخصیت‌پردازی مسعود که در تاریخ بیهقی لایه‌های مختلفی دارد. تتقاضاها، افسارگری‌ها، ستایش‌ها، اثبات و انکار این شخصیت در لایه‌ای متضاد تاریخ بیهقی را می‌توان سراغ گرفت. توانمندی بیهقی در استفاده از وجود مختلف زبان و چندگاه‌بودن و کتابی بودن بیان او و به ویژه روابطگری او

چینی ظرفیتی در متن ایجاد کرده است. (ص ۲۶) نویسنده بر این عقیده است که یکی از مجال‌هایی که بیهقی توانسته در آن قلم بزند و مسعود را بهتر، آن جان که بوده، معرفی کند ماجراه حکومت موقتی محمد، برادر مسعود است و سپس زندانی شدن او به دست علی قریب که گویا مسعود را محق‌تر می‌دانست. (ص ۲۶) تظاهر به مهریانی و برادری ساختگم، حیاری و ستمگری ذاتی، لحن آمرانه‌ی مسعود با امیر محمد در

بدون هیچ ملاحظه‌ای به نقل واقعیت پرداخته است و هر بار درباره‌ی کسانی نقل ماجرا می‌کند که به شکلی وابسته‌ی آن هاست یا به ایشان علاقه دارد یا فکر می‌کند که حق با آن هاست از زبان کنایی و زیرک خود استفاده می‌کند و معانی ثانوی جالبی را می‌افریند. بیهقی خود درین باب که چه می‌نویسد و چه غرضی دارد، در آغاز جلد ششم می‌گوید: «غرض من نه آنست که مردم این عصر را بازگیرم حال سلطان مسعود، آنار الله برهانه، که او را دیده‌اند... اما غرض من آن است که تاریخ پایه‌ای نویسم و بنای بزرگ افرانته گردانم، حتی که ذک این، تا آخر دوزگان باقی، ماند...»

بیهقی با رندی و زیرکی خاص خودش، اظهار می کند که قصد ندارم وضعیت مسعود غزنوی را برای مردم روزگار خودم توصیف کنم، چون که آن‌ها خودشان مسعود را دیده‌اند و می‌شناسند. منظور بیهقی این است که واقعیت مسعود و شخصیت او را همه می‌دانند، یعنی قصد بیهقی آن است که تاریخی بنویسد که ایندگان بدانند مسعود که بوده است؟ (ص ۴) بنابراین بیهقی بر آن بوده است که اطلاع رسانی به بهترین شکل انجام شود و زوایای پنهان حادث رویدادها مشخص گردد.

۲. حضور مردم در تاریخ بیهقی: بیهقی نه تنها وقایع سیاسی را نقل می‌کند بلکه مناظر زنده‌ای از وضع زندگی اسپ اور توده‌های مردم که زیر بار سنگین مالیات شانه خم کرده بودند، ترسیم می‌کند و به هیچ وجه در صدد پنهان کردن معایب و مقاصد مقامات اداری و درباریان و اشتباهات سلاطین غزنی نموده است. در هیچ یک از منابع و مأخذ سلسه‌ای غزنی‌بان، مانند تاریخ بیهقی و گذشت و طبقات ناصر، این انداده اصطلاحات گرا، برها درباره، مناظر



آرامگاه بدهقی

بیهقی با زیرکی خاص خود، اظهار می‌کند که قصد ندارم وضعیت مسعود غزنی را برای مردم روزگار خودم توصیف کنم، یعنی قصد بیهقی آن است که تاریخی بنویسد که آیندگان بدانند مسعود که بوده است

دیام خبر و اخ

و دیگر این که خبر مرگ سلطان محمود، پدرش تازه رسیده است و این دهل و بوق زدن، از نظر ظاهری هم که شده چندان جالب نیست، بیهقی همین موضوع را بر جسته کرده، چراکه دیگران رعایت حال مسعود را می‌کنند که نازه پدرش مرده است و با آن که همه نگران عزاداری امیر مسعود هستند، اما او راحت فرمان به شادی می‌دهد. (ص ۳۳)

از ویزگی‌های شخصیت مسعود که شاید خود او دوست تر می‌داشت که ناگفته بماند و بیهقی ناگفته نگذاشته است، شراب خواری و عیاشی و خوشگذرانی او در مقاطع مختلف زندگی است. یکی از مهمترین ماجراهای حکایت‌های تاریخ بیهقی که می‌توان این ویزگی رفتاری مسعود غزنی را از خلال آن دریافت، قصه‌ی خیش خانه است. با انشای این مسائل، هر ادعای اعتقادی و پاکی در روزگار احتشام مسعود تردیدانگیز خواهد شد. انساب غزنیان به سبب سیاستمداری هم که شده، به خلیفه و اسلام، عیش و نوش و پادخواری ایشان را معنی دارتر می‌کند. (ص ۳۴) بیهقی با وجود احترامی که برای تحت و تاج سلطان قائل بوده، خود را حق ندانسته است که از اعمال ناشایست سلطان چشم بپوشد.

قدرتمندی و نمایش قدرت، که مسعود آن را خوبی می‌پسندد، به خصوص در نگاه خلیفه، که مشروعیت حکومت را باید از خلیفه بگیرد، از دیگر ویزگی‌های شخصیت مسعود است، آن چنان که از خلال سطرهای تاریخ بیهقی می‌توان دریافت. (ص ۳۷)

۵. هنرهای ادبی بیهقی: یکی از برجسته‌ترین ویزگی‌های متن تاریخ بیهقی، خصوصیت زبانی و امتیازهای این متن است در باب واژه‌ها، عبارات و ترکیبات موجود، در این مبحث نویسنده‌ی کتاب شور قلم به برخی از این ویزگی‌ها و خصوصیات زبانی تاریخ بیهقی با ذکر نمونه می‌پردازد که به اجمال توضیح داده می‌شود:

۶. کار نداشتن قید، خارج از چارچوب شناخته شده‌ی جمله: قید را بیرون از جمله به کار می‌برد و درواقع از جای خودش دور می‌شود، البته این جایهایی ارکان جمله، آهنگ ویزه‌ای هم به کلام بیهقی داده است که باعث به وجود امدن موسیقی در کلام می‌گردد. ... و شب بونصور، دیبر خوبی را نزدیک من فرستاد که بونصورم بپوشیده... « قید پوشیده خیلی از جای خودش دور شده است. (ص ۴۰)

۷. ساخت فعلها و تکرار شناسه‌ها: از ویزگی‌های زبانی که نهایتاً به تأیین موسیقی درونی و ضرب‌آهنگ متناسب با متن می‌انجامد، ساخت فعلها و تکرار شناسه‌ها در یک عبارت طولانی یا در یک بند متن است. مثلاً «ی» استمراری در افعال نزدیک به هم که لحن روایت را هم تقویت می‌کند. (ص ۴۰)

دوران حکومت محمد و همچنین در دوران زندانی بودنش در قلعه‌ی کوهنیز، نشانده‌نده‌ی رفتار مسعود با امیر محمد است که سعی در پوشاندن رفتار نشت خود می‌کند اما بیهقی با استادی و مهارت هرچه تمام‌تر به این زوابای شخصیت سلطان می‌پردازد. تحت تأثیر اطرافیان بودن، یا به تعییر امروزی دهن‌بین بودن، یکی از صفات مسعود است که بیهقی در ماجرای از میان برداشتن علی قریب بدان اشاره دارد. علی قریب که خود احساس خطر کرده است، این چیز بیان می‌کند: «... اما دانم که این عاجزان این خداوندانه را بنگذارند تا مرا زنده ماند که بترسند و ای بین مال و حطام من نگرد و خوبی را بدnam کند...» بدین ترتیب از نظر علی قریب، نخست مسعود تحت تأثیر اطرافیان خوبی است و هنگامی تابخردی و ضعف او مشخص می‌شود که مؤثران در تصمیم‌گیری‌های او را عاجزان می‌نامد. دوم این که علی قریب نگران است که مسعود به مال و حطام او نگاه کند و خود را بدnam و می‌آبرو کند. نگاه کردن در مال و حطام او ترکیب ایهامی است؛ از یک طرف مسعود به توانگری‌های علی قریب نگاه می‌کند و گول می‌خورد و فکر می‌کند که این مرد به شکل خطرناکی قادرمند شده است و بر این توهّم او را ناید می‌کند و چون اشتباه است، برای یک پادشاه بدnamی است. از جانب دیگر، نگاه کردن یا نگریستن ترکیب کنایی است به معنی نظر داشتن، طمع داشتن که وجه رسوایگی و انتقادی متن با این معنی بیشتر خود را نشان می‌دهد. (ص ۲۹)

عکس العمل و رفتار مسعود بعد از مرگ سلطان محمود و باخبر شدن وی از مرگ پدر از دیگر ویزگی‌های شخصیتی مسعود است. اگرچه با پدر توافقی ندارد و به علت برکنار شدن از جانشینی، میانه مسعود و پدرش محمود چندان به صلح و دوستی نیوهد است، لیکن بعد از مرگ پدر ناگزیر است برای برکشیدن و موجه نشان دادن خود هر لحظه محمود را بزرگ‌تر و دلخواه‌تر نماییش دهد و تأکید بر مخالفتها و حفظ ارائه‌ی سندی که نمودار این مخالفتها باشد، عاقلانه به نظر نمی‌رسد. اما کیست که نداند محمود غزنی دل خوش از این پسرش نداشت و اگر کسی ندانسته باشد، بیهقی با روایت ماجرای خیش خانه چیزی را ناگفته نگذاشته است. همچنین وقتی خبر قتل عام آل بویه توسط حسین سلیمان با شکر اهالی ری و خبر آوردن سرها و اسیران به مسعود می‌رسد، عکس العمل وی خیلی دیدنی است: «چون امیر مسعود، قدس الله روحه، برین نامه واقف گشت، سخت شادمانه شد و فرمود تا دهل و بوق زدن و می‌شran را بگردانیدند و بسیار کرامت کردند...» از دو بعد شادمانه شدن و فرمان بوق و دهل زدن، عجیب و ویژه است. یکی آن که با توصیف و تصویر جنایت به آن حد وحشیانه، این عکس العمل مسعود غیرطبیعی است

ممنا تر باشد و در هر بخش از تاریخ بیهقی نثری و روایتی متناسب با آن، انتخاب شده است. به عنوان مثال: مرگ بونصر مشکان که چندان خوشاید بیهقی نیست، به سبب احترام و محبتی که به استادش دارد، کاملاً غیرمستقیم بیان شده است

یکی از ویژگی های روایت بیهقی برای این که به جزئیات و حوادث جدا از هم پیردازد، و دانای کل در روایت های همزمان، روایت کاملی به دست دهد، این است که گاهی روایت های موازی در فصل های کنار هم می بینیم. روایت موازی، حکومت چندروزه ای امیر محمد و بازداشت شدن در کنار خبر مرگ محمود و رایزنی ها، قصه برشگشتن مسعود و نیز رابطه ای پدریان با مسعودیان و... همه در کنار هم در یک تدوین موازی روایت می شوند. در بخش هایی روایت پیش می رود، اما چون قبلاً از نظر گاهی دیگر روایت را شنیده ایم، همان روایت با جزئیات نهفته با ماجراهای نگفته دقیق تر می شود.

(ص ۴۸)

نزدیک شدن زبان شیوه ای روایت بیهقی به گفتار و لحن مرسوم کوچه و بازار هم از ویژگی های تاریخ بیهقی است و یکی دیگر از ویژگی های روایت بیهقی که با در نظر گرفتن روایت های داستانی روزگار ما خیلی تازه و شگفت می نماید، این است که گاهی ناگهان، پایان ماجراهی را یادآوری می کند، گویی که هیجان روایت به کارش نمی آید، که شاید پند و اندیشه ای که در این روایت است با دانستن پایان ناگوارش، تمکن و تأمل پیشتری برانگیزد. التهاب این که چه خواهد شد، مکث اندیشه هی خواننده را از لحظه های روایت می گیرد بیهقی گویی به ایجاد تعلیق نیاز دارد، اگرچه شیرینی گفتار و توان روایشن هم ایجاد تعلیق می کند. (ص ۴۸-۴۹)

اقای کاکاوند در ادامه کتاب شعور قلم بخش هایی از تاریخ بیهقی را انتخاب کرده، که این گزیده ها عبارتند از: نامه ای حشمت گنیاب به مسعود غزنوی، مذکوره ای صلح با اعیان ری، جنگ حسن با بویهی، بازداشت علی قریب، فرمان تازه درباره ای محمد، قصه خیش خانه هرات، واقعه بیکر حصیری، ذکر حکایت افسین و خلاص یافتن بودلف از اوی، ذکر بر دار کردن حسنک وزیر، ذکر النسل، رنجش بونصر از امیر و مرگ او. گزیده ها، هم مصادیقه برای بحث هایی است که نویسنده، پیرامون تاریخ بیهقی و خالق آن انجام داده است و هم این گزیده ها به قول نویسنده، در پیکره ای منسجم تاریخ بیهقی جای ویژه ای دارند. ایشان درباره ای لغات و برخی عبارات این گزیده ها نیز که نیاز به توضیح دارند پرداخته است.

پی نوشت

۱. صفا، ذیبه الله، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۲، انتشارات فردوسی، ۱۳۶۳، ص ۸۹۱
۲. فروزانی، ابوالقاسم، غزنویان از پدایش تاریخ‌پویاشی، انتشارات سمت، ۱۳۸۶، ص ۱۵
۳. بیات، عزیز الله، شناسایی منابع و مأخذ تاریخ ایران، امیر کبیر، ۱۳۸۸، ص ۱۴۲
۴. صفا، همان، ۱۳۶۱
۵. زریاب خویی، عباس، تاریخ نگاری بیهقی، مجله دانش کده ای ادبیات و علوم انسانی مشهد، ۱۳۵۰، سال ۷، شماره ۴، ص ۷۶۱
۶. ع بیهقی، ابوالفضل، تاریخ بیهقی، به کوشش علی اکبر فیاض، مشهد، ۱۳۵۰، ص ۹۰۵
۷. همان، ص ۱۱۲
۸. بیات، همان، ص ۱۴۳
۹. همان، ص ۱۳۲

۴.۳ استفاده از واژه ها و ترکیبات خاص: استفاده از واژه ها و ترکیبات خاص، مؤلفه ای سبکی در تاریخ بیهقی می تواند باشد، مثل صفت مرکب «بیست همتا» به معنی «بی نظیر» در «... کارها بر قاعده ای راست نمی بیند، خداوند بزرگ نفیس است و نیست همتا و حليم و کریم است...». چنین ترکیبات و تعالی در نظر بیهقی از ویژگی های انحصاری تاریخ اوت است. هم چنین تعابیر و عبارات کنایی نیز در ساخت تمثیلی در تاریخ بیهقی بسیار یافت می شود. (ص ۴۱-۴۰)

۴.۴ ارجاع به بعد: یکی از عبارات های بیهقی ویژگی بی نظیری دارد که برای محققان و سبک شناسان می تواند خیلی جذاب باشد و آن این که ارجاع به بعد صورت گرفته است. درواقع کلامی که در میان دو خط تیره بیان شده است، برای فعل «سخنی پیش رفته باشد» که بعد از خط تیره آمده است! درواقع ارجاع متن به بعد از خود است که شگفت و نایاب است. «مو اندیشم که نباید که حاسدان دولت را - که کار این است که جهد خوبی می کنند تا که برود و اگر نزود دل مشغولی می افزایند، چون کردم که کار او گزیند است بر هرچه پیش آید - سخنی پیش رفته باشد...». درواقع «برود و اگر نزود» به «سخنی پیش رفته باشد» رجعت می کند که بعد از عبارت آمده است. (ص ۴۱)

۴.۵ جمله های معتبره ای طولانی: ویژگی دیگر، جمله های معتبره ای طولانی است که این گونه بیان، به شیوه ای گفتار نزدیک است و در روایتگری عموم مردم نیز گاه توضیح هایی از این دست طولانی می توان یافت. (ص ۴۲)

۴.۶ ایجاد: در متنه که هیچ برهیزی از تکرار افعال دیده نمی شود ایجاد کم نظری دیده می شود. این کارکرد هنرمندانه گاه به ظرفیت زبان و موسیقی متن هم افزوده است. در روزگار تصویفی گری در ادبیات فارسی و پرداختن به جزئیات تصویری، بیهقی بدون فروگذاشتن جزیات، کم ترین واژه را استفاده کرده است. مثلاً در ماجراهی بیکر حصیری، روایت یک شب و روز را در چند کلمه، موجز و موسیقایی چنین بیان کرده است: «و تا میان دو نماز خوده و آن گاه برنشسته و خوران خوران به کوی عباد گذر کرده...». (ص ۴۲)

۴.۷ جدایی صفت از موصوف و باز ایجاد: گاهی در متن تاریخ بیهقی صفات از موصوف جدا می شوند و خارج از جمله در کارکردی دوگانه، صفت و قید استفاده می شوند. این رفتار زبانی، ایجاد متن را بیشتر می کند، بیرون امدن مسند یا حتی قید از جمله، بر جستگی و تشخیص شگفتانگیز به آن می دهد. مثلاً: «... و خوارزمشاه التوتناش با وی بود اندیشمند ترا ریاب وی چه رود.» کلمه ای اندیشمند گویی یک جمله کامل، بلکه یک بند توضیحی و توصیفی است در معرفی و توصیف بوسه هل زوزنی و جایگاه تازه ای که در محضر مسعود، بعد از ناگواری های دوره ای محمود یافته است. (ص ۴۳)

موسیقی کلام بیهقی: نحو و ساختار دستوری عبارات بیهقی، واژه های مرکب و ایجاد در زبان او ممکن است که ایجاد موسیقی درونی در تاریخ بیهقی کمک کرده اند بدین شکل که کمتر عبارتی از بیهقی است که آنگین به نظر نماید. این موسیقی گاهی شنیداری و خوشایند و گاهی متناسب با درونمایه و موضوع عبارت است. (ص ۴۴)

شعوانگی متن بیهقی: جدا از مؤلفه های زبان و موسیقی که بخشی از ظرفیت شعری متن بیهقی را می توان از آن دریافت، تخیل و نوع نگاه شعری نیز در جای جای متن بیهقی قابل مشاهده است. (ص ۴۷) روایتگری بیهقی: روایتگری در نظر بیهقی شاید از دیگر ویژگی های نشرش